

حرکت از برنامه‌های ترجمه به سمت پروژه‌های آموزشی:

مطالعه موردی انتشارات فرانکلین در ایران^۱

فرزانه فرحزاد^۲ و ابوالفضل سنجرانی^۳

چکیده

مقاله حاضر یک مطالعه خردتاریخی آرشیوی از فعالیت‌های انتشارات فرانکلین از سال تاسیس آن ۱۳۳۳، تا پایان فعالیت آن، در سال ۱۳۵۵ است. با بررسی آرشیوها، هدف این مطالعه نشان‌دادن تصویری دقیق از فعالیت‌های انتشارات فرانکلین در ایران بود. برای این منظور، ابتدا، چهار مجموعه از اطلاعات بایگانی مربوط به انتشارات فرانکلین به‌طور کامل مورد بررسی قرار گرفت. در پژوهش حاضر، آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، مدیریت مرکز اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی، آرشیو دانشگاه پرینستون، مؤسسه علمی فرهنگی و کتابخانه کنگره آمریکا برای یافتن منابع اولیه تاحدامکان درمورد انتشارات فرانکلین مورد بررسی قرار گرفتند. گزارش‌های سالانه فرانکلین، مکاتبات انتشارات فرانکلین با سازمان‌های وابسته، یادداشت‌های دست‌نویس مترجمان، و یادداشت‌های دست‌نویس ویراستاران به‌عنوان منابع اولیه مورد استفاده قرار گرفتند. کتاب‌ها و اسناد مربوط به انتشارات فرانکلین و مترجمان و ویراستاران آن نیز به‌دقت مورد بررسی قرار گرفت. سپس اطلاعات اصلی مربوط به این مطالعه استخراج شد. فعالیت‌های انتشارات فرانکلین منجر به معرفی و تبلیغ ادبیات آمریکایی و ارتقای صنعت نشر بومی از طریق اتخاذ روش‌های معاصر در زمینه‌هایی مانند انتشار، چاپ، طراحی، توزیع و تبلیغات کتاب شد. علاوه بر این، فعالیت‌های انتشارات فرانکلین در حوزه چاپ دایرةالمعارف فارسی، زبان فارسی را غنی‌تر کرد و آن را با نیازهای معاصر و پیشرفت‌های فناوری سازگارتر کرد.

واژه‌های راهنما: آرشیو، خردتاریخ، فعالیت‌های انتشارات فرانکلین، مطالعات ترجمه

۱. این مقاله در تاریخ ۱۴۰۲/۱۲/۱۶ دریافت شد و در تاریخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۲ به تصویب رسید.

۲. استاد، گروه مترجمی زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران؛ پست الکترونیک: farzaneh.farahzad@gmail.com

۳. نویسنده مسئول: دکتری مطالعات ترجمه، گروه مترجمی زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران؛ پست الکترونیک: sanjarani.abolfazl@gmail.com

مقدمه

رشته تاریخ معمولاً به‌عنوان فرآیند تجزیه و تحلیل، تفسیر رویدادها و پدیده‌های گذشته از دریچه نگاه مورخ حرفه‌ای شناخته می‌شود. طبق نظر پادمانابهان، تاریخ رشته‌ای دانشگاهی است که شامل بررسی سیستماتیک و عینی رویدادهای گذشته، بدون درج سوگیری‌های شخصی یا تفسیرهای ذهنی است (پادمانابهان، ۲۰۱۴).

در طی سی سال گذشته، صاحب‌نظران تمرکز ویژه و فزاینده‌ای بر تاریخ ترجمه در رشته‌های مطالعات ترجمه، ادبیات تطبیقی و مطالعات پسااستعماری داشته‌اند. تعداد زیادی از صاحب‌نظران در رشته مطالعات ترجمه مانند پیم (۱۹۹۸)، لمبرت (۱۹۹۳)، باستین و بندیا (۲۰۰۶) و اوسولیوان (۲۰۱۲) از شناخته‌شدن مطالعات ترجمه تاریخی به‌عنوان زیرمجموعه رشته مطالعات ترجمه حمایت کرده‌اند. پیم (۲۰۱۴) تاریخ ترجمه را این‌گونه تعریف می‌کند: «مجموعه‌ای از گفت‌مان‌ها برای پیش‌بینی تغییراتی است که در زمینه ترجمه رخ داده یا به‌طور فعال از آن جلوگیری شده است. حوزه آن شامل کنش‌ها و عواملی است که منجر به ترجمه (یا غیرترجمه)، تأثیرات ترجمه‌ها (یا غیرترجمه‌ها)، نظریه‌های مربوط به ترجمه می‌شود.

خردتاریخ، در رویکرد اول، بررسی تاریخی فشرده یک شی کوچک‌تر نسبتاً مشخص، اغلب یک رویداد واحد، یا «یک جامعه روستایی، گروهی از خانواده‌ها، حتی فردی مشخص» است (گینزبرگ و پونی ۱۹۹۱: ۳). خردتاریخ با تمرکز بر موارد، افراد و موقعیت‌های خاص، مطالعه تاریخی عمیق موضوعی را امکان‌پذیر می‌سازد و تصویری کاملاً متفاوت از گذشته ارائه می‌دهد (گینزبورگ و پونی ۱۹۹۱: ۳). کوهن (۲۰۱۹) پیشنهاد کرد که افراد در کار خود فقط درگیر عمل خردتاریخ می‌شوند یا رویکردی خردتاریخی را اتخاذ می‌کنند.

صنعت نشر و تولید کتاب در ایران سابقه ای طولانی دارد که بخشی از آن به انتشارات فرانکلین وابسته است که در چند دهه قبل از انقلاب اسلامی از حمایت آمریکا برخوردار بود.

انتشارات فرانکلین یک موسسه خصوصی بود که در ارتباط با دانشگاه‌ها، بنیادها، سازمان‌های دولتی، موسسات تحقیقاتی و گروه‌های فرهنگی مختلف فعالیت می‌کرد. بررسی فعالیت‌های انتشارات فرانکلین در ایران فهم ما را از نقش انتشارات در معرفی و توزیع ادبیات آمریکایی و تاثیرات آن بر ترجمه و صنعت نشر و سرمایه‌های فرهنگی ما افزایش می‌دهد. اهمیت مقاله حاضر نیز در این است که اطلاعات اندکی درباره جنبه‌های متفاوت انتشارات فرانکلین در ایران وجود دارد. مقاله حاضر بخشی از تاریخ کمترشناخته‌شده ترجمه در ایران معاصر را روشن می‌سازد. با مروری بر پژوهش‌های انجام شده در زمینه مطالعات ترجمه، متوجه می‌شویم که توجه پژوهشی اندکی به مطالعه انتشارات فرانکلین در ایران با استفاده از منابع اولیه از آرشیوهای مختلف اختصاص یافته است. بنابراین، با بررسی کامل آرشیوهای مربوط به انتشارات فرانکلین می‌توانیم جنبه‌های مختلف پنهان و بررسی نشده کار انتشارات فرانکلین را آشکار کنیم و تصویر بهتری از انتشارات فرانکلین در طول ۲۴ سال فعالیت آن ایجاد کنیم. هدف این مطالعه نشان‌دادن تصویری دقیق از فعالیت‌های انتشارات فرانکلین در ایران است. سوال تحقیق ما این است که علاوه بر فعالیت‌های ترجمه‌ای، انتشارات فرانکلین در چه فعالیت‌های دیگری در ایران نقش داشته است؟

پیشینه تحقیق

انتشارات فرانکلین در نتیجه قطعنامهٔ ایجادشده در جریان مذاکرات بین کمیته روابط بین‌الملل انجمن کتابخانه‌های آمریکا و کمیته تجارت خارجی شورای ناشران کتاب آمریکا شکل گرفت. طی جلسه‌ای که در سال ۱۹۵۱ در غرفه ویتال کتابخانه برگزار شد، ورنر کلاپ که به‌عنوان دستیار کتابدار کنگره خدمت می‌کرد، پیشنهاد اولیه برای ایجاد سازمان غیرانتفاعی را ارائه کرد که در نهایت به برنامه کتاب فرانکلین تبدیل شد (اسمیت، ۱۹۶۳).

با ظهور ایدئولوژی‌های رقیب مانند فاشیسم، کمونیسم نیاز مبرم به انجام فعالیت‌های تبلیغاتی و فرهنگی و اطلاعاتی توسط دولت ایالات متحده با همکاری سازمان‌های غیردولتی و صنایع افزایش یافت. این موضوع به بخش صنعت کتاب فرصتی داد تا تولید کتاب خود را برای مصرف در داخل و خارج از کشور افزایش دهد. اهمیت تلاش برای چاپ کتاب توسط دولت ایالات متحده قبل از شرکت در جنگ جهانی دوم شناخته شده بود. به‌عنوان مثال، انجمن کتابخانه‌های آمریکا در سال‌های ۱۹۳۸ و ۱۹۳۹ برای عرضه کتاب‌ها به کتابخانه‌های چینی که در طی یورش ژاپن آسیب‌دیده بودند، کارزاری را برگزار کرد. دولت همچنین دفتر هماهنگ‌کننده امور بین‌آمریکایی (CIAA) را برای ارتقای روابط فرهنگی و تجاری با آمریکای لاتین به‌منظور تشویق سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی در این «بازار وسیع توسعه‌نیافته» تأسیس کرد (آردندت، ۲۰۰۵: ۸۳). انتشار و ترجمه کتاب‌های آمریکایی از جمله کارهای دفتر هماهنگ‌کننده امور بین‌آمریکایی بود (اسیری، ۲۰۲۱: ۵).

دو سازمان دولتی برای مشارکت در مکانیسم تبلیغاتی و دیپلماسی فرهنگی در طول جنگ جهانی دوم ایجاد شدند: دفتر اطلاعات جنگ (OWI) و دفتر خدمات استراتژیک (OSS). کتابخانه‌های اطلاعاتی ایالات متحده که در سال ۱۹۴۸ در خاورمیانه و سایر قاره‌ها تأسیس شدند، بعدها راه را برای تأسیس سایر کتابخانه‌های اطلاعاتی جهانی هموار کردند (آردندت، ۲۰۰۵: ۸۹). برنامه کتاب فرانکلین کار ترجمه و انتشار کتاب‌های آمریکایی برای توزیع در خارج از کشور آمریکا را برعهده داشت، به همین دلیل سیاست‌های برنامه کتاب فرانکلین، به‌عنوان الگو و نمونه‌ای برای برنامه‌های ترجمه پس از جنگ تعیین شد. به‌عنوان مثال، حق ترجمه کتاب‌های زبان اصلی باید از ناشران آمریکایی با قیمت مناسب خریداری می‌شد و کتاب‌های ترجمه شده باید به خوانندگان بالقوه با قیمت‌های تخفیفی فروخته می‌شد، اما به‌صورت رایگان در دسترس افراد قرار نمی‌گرفت (هنج، ۲۰۱۰، همان‌طور که در اسیری، ۲۰۲۱: ۶ نقل شده است).

حرکت از برنامه‌های ترجمه به سمت پروژه‌های آموزشی ... ۴۵

به گفته لاگوسن (۲۰۱۷)، هدف فرانکلین ارائه تصویری منحصر به فرد از کشور آمریکا بود، تصویری که بر بهترین ویژگی‌های آن و آنچه که برای ارائه به جهان داشت، تأکید می‌کرد. بنابراین، مؤسسه فرانکلین ترجمه ادبیات جدی و غیرداستانی را بر ادبیات داستانی عامه‌پسند در اولویت قرار داد. ویلسون (۱۹۶۳: ۳) اظهار می‌دارد که یکی از اهداف این مؤسسه این بود که «تصویر کتاب را به جای تصویر ماشینی بی‌روح که دشمنان ما سعی کرده‌اند به ما الصاق کنند» جایگزین کند.

طبق گفته لاگوسن (۲۰۱۷)، فرانکلین از حمایت مالی مستمر آژانس اطلاعات ایالات متحده آمریکا برخوردار بود که ممکن است برخی از آن‌ها از سازمان سیا سرچشمه گرفته باشند. فرانکلین از بنیاد فورد که توسط سازمان سیا ترتیب داده شده بود، پول دریافت کرد. به گفته ساندرز (۲۰۰۱: ۳)، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد اسناد رسمی مربوط به جنگ سرد فرهنگی به طور سیستماتیک درک نیت‌های خیرخواهانه سازمان سیا را کاهش می‌دهد. نهادهایی که از سازمان سیا حمایت مالی دریافت می‌کردند، ملزم به انجام تلاش همه‌جانبه‌ای برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی بودند که معمولاً به‌عنوان کمپین تبلیغاتی از آن یاد می‌شود.

مطالعه لاگوسن (۲۰۱۷) به بررسی نقش ادبیات در دیپلماسی فرهنگی و تلاش‌های نوسازی ایالات متحده می‌پردازد. علاوه بر این، حمایت ناشران آمریکایی در دستیابی به اهداف جنگ سرد فرهنگی کشور را بررسی می‌کند و همزمان تلاش می‌کند تا بازاری تازه برای تولیدات ادبی آن‌ها در سطح ملی و بین‌المللی ایجاد کند. بر اساس تحلیل لاگوسن (۲۰۱۷)، فرانکلین به‌عنوان نمونه قابل توجه‌ای از ابتکارات کتاب آمریکایی عمل می‌کند و بر نقش اساسی این برنامه در آنچه که او به‌عنوان «امپراتوری کتاب جنگ سرد آمریکا» می‌نامد، تأکید می‌کند (۲).

آرابای مطالعه‌ای بر روی برنامه کتاب فرانکلین در مصر انجام داد که ساخت تصویر از دولت ایالات متحده از طریق ترجمه کتاب‌های آن‌ها به زبان عربی را تجزیه و تحلیل کرد.

ایالات متحده آمریکا تلاش کرد به برداشت‌های نامطلوب از تصویر خودش که شامل ادعاهای امپریالیسمی و ماتریالیسمی بود و توسط جناح‌های مختلف مانند کمونیست‌ها، ملی‌گرایان عرب و روشنفکران چپ و اسلامی منتشر می‌شد، رسیدگی کند. رمان‌های ترجمه‌شده بر اصولی مانند معاصر بودن، برابری طلبی، احترام به ایمان و آداب و رسوم اسلامی و همچنین الگوی رشد محور تاکید داشتند (آرابای، ۲۰۱۹). کتاب‌های حاوی ارزش‌های ایدئولوژیکی، ضد اندیشه کمونیستی، ایده‌ها و ایده‌آل‌های آمریکایی درباره دموکراسی، شیوه‌های زندگی، آموزش و برابری اجتماعی و کتاب‌هایی که نشان‌دهنده علاقه آمریکایی‌ها به حوزه فرهنگ سایر کشورها بودند را برای ترجمه انتخاب می‌کردند (فرحزاد و سنجرانی، ۲۰۲۳).

روش‌شناسی

خردتاریخ، روش نیست. در عوض، رویکردی به پژوهش تاریخی است. روش‌های آرشیوی در مرکز این رویکرد قرار دارند که شامل بررسی بایگانی‌ها می‌شود. «بایگانی‌ها محصول فرآیندی هستند که تعداد معینی از اسناد را به مواردی تبدیل می‌کند که ارزش نگهداری و حفظ در مکان عمومی را دارند، جایی که می‌توان به آن‌ها طبق رویه‌ها و مقررات از پیش تعیین‌شده مراجعه کرد» (ممبی، ۲۰۰۲، همان‌طور که در بوث، ۲۰۰۷: ۸۷ نقل شده است). در پژوهش حاضر، آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، مدیریت مرکز اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی، آرشیو دانشگاه پرینستون، مؤسسه علمی فرهنگی و کتابخانه کنگره آمریکا برای یافتن منابع اولیه تاحدامکان درمورد انتشارات فرانکلین مورد بررسی قرار گرفتند. منبع اولیه «مواردی است که حاوی گزارش‌های دست‌اول از رویدادها است که همزمان با آن رویدادها ایجاد شده یا بعداً توسط یک شاهد عینی به یاد می‌آید» (پیرس-مؤسس ۲۰۰۵: ۳۰۹، همان‌طور که در عاطف‌مهر و فرحزاد، ۲۰۲۱: ۵ نقل شده است). در این پژوهش، گزارش‌های سالانه فرانکلین، مکاتبات انتشارات فرانکلین با سازمان‌های وابسته، خاطرات، یادداشت‌های دست‌نویس مترجمان، و یادداشت‌های دست‌نویس

حرکت از برنامه‌های ترجمه به سمت پروژه‌های آموزشی ... ۴۷

ویراستاران به‌عنوان منابع اولیه مورد استفاده قرار گرفتند. کتاب‌ها و اسناد مربوط به انتشارات فرانکلین و مترجمان و ویراستاران آن نیز به‌دقت مورد بررسی قرار گرفت.

انتشارات فرانکلین در ایران

پس از افتتاح اولین شعبه در قاهره، به گفته لاگوسن (۲۰۱۷) فشارهایی از سوی وزارت امور خارجه برای راه‌اندازی شعبه‌ای در ایران وارد شد که اسمیت در ابتدا با آن مخالفت کرد اما بعدها با آن موافقت نمود. در سال‌های ۱۹۵۴ و ۱۹۵۵ دفاتری در تهران، پاکستان غربی، جاکارتا، اندونزی، داکا و پاکستان شرقی تأسیس شد. دفاتر کوچک‌تری نیز در تبریز، بیروت، لبنان، ۱۹۵۹؛ و مالایا، در سال ۱۹۶۰ تأسیس شد. برنامه‌های ترجمه فعال و ویژه‌ای به زبان‌های فارسی، اردو، بهاسای اندونزی و عربی وجود داشت. علاوه بر شهرهایی که دفاتر عملیاتی در آن‌ها وجود داشتند، شهرهای دیگر برای چاپ کتب، اصفهان در ایران، کراچی، سیالکوت و میمرسینگ در پاکستان و بندونی در اندونزی بوده‌اند. مجموع جمعیت کشورهای که کتاب‌های انتشارات فرانکلین در آن زمان توزیع می‌شد ۳۰۰ میلیون نفر بود. انتشارات فرانکلین در مدت ۲۲ سال فعالیت در ایران ۷۹۰ عنوان ترجمه شده و ۶۰ عنوان فارسی چاپ کرد (فرحزاد و سنجرانی، ۲۰۲۳).

تاریخ تأسیس دفاتر عملیاتی آن‌ها برای زبان‌های مختلف به شرح زیر بود:

جدول ۱. سال تأسیس شعب وابسته به انتشارات فرانکلین در کشورهای مختلف

شهرها و تاریخ		زبان	
بغداد ۱۹۵۷	بیروت ۱۹۵۷	قاهره ۱۹۵۳	عربی
تبریز ۱۹۵۹		تهران ۱۹۵۴	فارسی
کوالالمپور ۱۹۵۹		جاکارتا ۱۹۵۵	اندونزیایی
		لاهور ۱۹۵۴	اردو

دکا ۱۹۵۵	بنگالی
----------	--------

حرکت از برنامه‌های ترجمه به سمت پروژه‌های آموزشی

به غیر از برنامه‌های منظم ترجمه، شعبه تهران از پروژه‌های ویژه دیگری نیز پشتیبانی می‌کرد. تولید دایرةالمعارف فارسی که در سال ۱۹۵۶ آغاز شد و تأسیس چاپخانه افست در سال ۱۹۵۸ از جمله این موارد بود. این چاپخانه در آن زمان بزرگ‌ترین چاپخانه خاورمیانه بود. علاوه بر این، شعبه تهران از سال ۱۹۶۰ به بعد از شرکت کتاب‌های جیبی حمایت مالی کرد. شرکت کتاب‌های جیبی در انتشار کتاب‌هایی با اندازه‌های فشرده و قیمت مناسب تخصص داشت. به گفته اسمیت (۲۰۰۰) شرکت مذکور قفسه‌های کتابی تولید کرد که برای استفاده در مکان‌های غیرسنتی مانند سوپرمارکت‌ها به بازار عرضه می‌شدند. در سال ۱۹۶۳ شعبه تهران، تنظیم و نظارت بر مشارکت مدیران مؤسسات انتشاراتی مختلف در کارگاه‌های آموزشی برگزار شده در آمریکا، انگلستان و فرانسه را برعهده گرفت. علاوه بر این، برای راه‌اندازی شرکت کاغذ پارس که در سال ۱۹۶۸ شروع به کار کرد، کمک‌های مالی و راهنمایی‌های کارشناسی ارائه کردند (علی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۲۱۲).

فرانکلین علاوه بر ترجمه و انتشار کتاب‌های آمریکایی، پروژه‌های ویژه‌ای را نیز در ایران انجام داده است:

۱. دایرةالمعارف فارسی

۲. مجلات پیک

۳. توزیع انبوه کتاب در ایران (پروژه جیبی)

دایرةالمعارف فارسی

یکی از ابتکارات انجام‌شده توسط انتشارات فرانکلین شامل ترجمه-اقتباس از دایرةالمعارف کلمبیا-وایکینگ به زبان‌هایی بود که با دفاتر منطقه‌ای آن مطابقت داشت. دایرةالمعارف‌هایی که توسط انتشارات فرانکلین حمایت می‌شد از پنج جلد مجزا تشکیل‌شده بود که هر جلد به زبان‌های متفاوتی مانند فارسی، عربی، اردو، بنگالی و اندونزیایی نوشته‌شده بود. شروع ابتکار دایرةالمعارف فارسی به سال ۱۹۵۶ برمی‌گردد. بر اساس برآورد صنعتی‌زاده، هزینه پیش‌بینی‌شده برای این اقدام بیش از ۳۰۰ هزار دلار بود. صنعتی‌زاده توسط ستاد انتشارات فرانکلین مأمور شد تا درمورد این پروژه با سازمان‌های بشردوستانه، مانند بنیاد فورد، واقع در ایالات‌متحده، گفتگوهای را آغاز کند. صنعتی‌زاده با حضور هیئت مدیره واحد فوق تشکیل جلسه داد. نماینده‌ای از بخش خاورمیانه بنیاد فورد، واقع در بیروت، برای بررسی پروژه پیشنهادی به تهران اعزام شد. متعاقباً توافقی حاصل شد که بر اساس آن بنیاد ۱۵۰۰۰۰ دلار از هزینه‌های انتشار را پوشش می‌دهد، مشروط بر اینکه نیمی از هزینه‌های باقی‌مانده به‌عهده طرف ایرانی باشد. صنعتی‌زاده در ابتدا با شرکت‌های خصوصی در ایران وارد مذاکره شد، اما تلاش‌های او بی‌نتیجه ماند. متعاقباً این پروژه به اشرف پهلوی، ارائه شد و او باکمال‌میل پذیرفت که شخصاً هزینه‌های باقیمانده را تأمین کند (علی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۲۰۴).

پنج پروژه دایرةالمعارف فرانکلین در کشورهای مختلف انجام شد که همگی شامل ترجمه و اقتباس از «دایرةالمعارف کلمبیا-وایکینگ» بود، که حقوق آن سخاوتمندانه توسط انتشارات وایکینگ پرداخت شد و انتشارات دانشگاه کلمبیا برای آن‌ها کمک ویراستاری ارائه نمود. این تلاش که در ابتدا به‌عنوان وسیله‌ای برای ترجمه دایرةالمعارف جامع کلمبیا-وایکینگ در نظر گرفته شد، دستخوش تحولی مهم شد و به ایجاد ابتکاری اساسی و مستقل انجامید. ترجمه فارسی دایرةالمعارف دارای مقدار قابل‌توجهی از مطالب نوین است که ۴۰ درصد از محتوای کلی را تشکیل می‌دهد که معادل ۹۰۰۰ مقاله بدیع است. علاوه بر این، درمجموع ۱۲۰۰۰ مقاله

دستخوش تغییرات اساسی شدند. پروژه مذکور توسط غلامحسین مصاحب به مدت ده سال از سال ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۶ انجام شد (فیلستراپ، ۱۹۷۶).

جلد اولیه دایرةالمعارف فارسی توسط شرکت کتاب‌های جیبی در سال ۱۹۶۶ منتشر شد. دایرةالمعارف فارسی از سه جلد به ابعاد ۲۱×۳۱ سانتی‌متر تشکیل شده و در طرحی سه ستونی ارائه شده است که الگوی دایرةالمعارف کلمبیا-وایکینگ را تقلید می‌کند. تأخیر در انتشار جلد دوم دایرةالمعارف فارسی به دلیل انتقال مدیریت واحد تهران از صنعتی‌زاده به علی‌اصغر مهاجر که مصادف با خروج مصاحب بود که به مدت یک دهه سردبیری را برعهده داشت، رخ داد. رضا اقصی نقش جانشین مصاحب را برعهده گرفت. جلد دوم اثر مذکور متعاقباً توسط انتشارات امیرکبیر با مهر شرکت کتاب‌های جیبی در سال ۱۳۶۶ به چاپ رسید. انتشار جلد سوم علی‌رغم اینکه در مراحل پایانی بود، به دلیل انقلاب ۱۳۵۷ به سال ۱۳۶۹ به تعویق افتاد (عاشوری، ۱۳۷۳).
به گفته یادگار (۱۳۵۷)، کارشناسان مجربی که مسئولیت ترجمه و تدوین مقالات را برعهده داشتند، به شرح زیر بودند:

۱. محمد پروین گنابادی
۲. مهدی بیانی
۳. محمد معین
۴. عبدالحسین زرین کوب
۵. محمدجعفر محجوب
۶. رضا اقصی
۷. احمد آرام

حرکت از برنامه‌های ترجمه به سمت پروژه‌های آموزشی ... ۵۱

دکتر راسخ (به نقل از یادگار، ۱۳۵۷: ۲۵) نیز انتشار دایرةالمعارف فارسی را یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ تحول علمی و ادبی جامعه ایران اعلام کرد. وجه مهم این کار روش مصاحب بود. دایرةالمعارف فارسی خیلی بهتر از دایرةالمعارف خارجی بود.

مجلات پیک

مرکز انتشارات آموزشی (EPC) توسط دفتر فرانکلین و با همکاری وزارت آموزش و پرورش باهدف تولید منابع آموزشی برای مؤسسات دانشگاهی تأسیس شد (فیلستراپ، ۱۹۷۶: ۴۴۱). مدیریت آن با ایرج جهانشاهی بود. این مؤسسه در طول سال تحصیلی مجموعاً شش نشریه را به صورت دوهفته‌ای توزیع کرد. پنج مورد از این انتشارات برای دانش‌آموزان دبستانی و متوسطه در نظر گرفته شده بود، در حالی که ششمین به طور خاص برای معلمان و والدین طراحی شده بود. علاوه بر این، آن‌ها در مجموع ۱۴ کتاب درسی ادبی و هفت کتاب خواندنی مکمل را باهدف کودکان تهیه و منتشر کردند. این مجلات توسط گروهی متشکل از دانش‌آموزان، مربیان و سرپرستان با هزینه‌ای مقرون به صرفه خریداری شد. به گفته فیلستراپ (۱۹۷۶)، تیراژ مجله پیک از مرز ۲۰ میلیون گذشت. مواد آموزشی متناسب با سطوح کلاس خاص برای کودکان توسط مرکز انتشارات آموزشی مورد آزمایش قرار گرفت. آن‌ها در مورد کنترل واژگان تصمیم می‌گرفتند. در تولید مجله جدید، نویسندگان واژگان خود را محدود به واژگانی می‌کنند که در کتاب‌های درسی در سطحی متناسب یافت می‌شوند. علاوه بر این، واژه‌نامه مجله از حداکثر ۵۰ اصطلاح جدید فراتر نمی‌رفت. اهمیت این امر در این است که هدف اولیه مجله پیک یکپارچه‌سازی و تقویت حضور خود در مناطقی بود که زبان مورد بحث، زبان مادری نیست.

در سال ۱۹۵۴، با تأمین مالی از صندوق مشترک ایران و ایالات متحده (صندوق مشترک ایران و آمریکا) که تحت برنامه نقطه چهار اداره می‌شد، وزارت آموزش و پرورش ایران شروع به تولید مطالب خواندنی برای مدارس کرد. چهار جلد کتاب خواندنی‌ها و سرگرمی‌ها بین سال‌های

۱۹۵۶ و ۱۹۵۷ به سردبیری زبان‌شناس و مورخ برجسته احسان یار شاطر (۱۹۲۰-۲۰۱۸) به‌طور ویژه برای کودکان کلاس‌های چهارم، پنجم و ششم منتشر شد (ایلر، ۱۹۹۱).

به گزارش آذرنگ (۱۳۹۴: ۶۲۳)، جدای از طراحی و محتوای این مجله، زبان مورد استفاده در توزیع و بهبود زبان فارسی در بین معلمان و دانش‌آموزان ایران مؤثر بوده است. برخی از نویسندگان، مترجمان، ویراستاران و معلمان مجرب، مسئولیت مجله پیک را برعهده داشتند و افرادی مانند گلی امامی، احمد گلشیری، حسن مرندی، محمود کیانوش، داود نوابی و هرمز وحید جزو این گروه بودند. بعد از انقلاب اسلامی این مجله با مجله رشد جایگزین شد.

مجله پیک انتشارات فرانکلین برای دانش‌آموزان به‌قدری درخشان بود که دو مشاور مصری و یک مستشار آمریکایی برای مشاهده و مطالعه عملیات پیک به‌عنوان بخشی از آماده‌سازی آن‌ها برای راه‌اندازی مجله مدرسه در قاهره، سفرهای آموزشی به ایران داشتند. احتمالاً خلاقانه‌ترین و موفق‌ترین پروژه در هر جای دنیا توسعه مجله پیک در ایران بوده است. با همکاری وزارت آموزش و پرورش، انتشارات فرانکلین پنج سطح مختلف مجلات کودکان، از مهدکودک، کلاس اول تا دبیرستان را ایجاد کرد. مجله دیگری برای معلمان و والدین منتشر شد. تحقیقات نشان داد که هر مجله خریداری‌شده توسط یک دانش‌آموز، به‌طور میانگین توسط چهار نفر دیگر خوانده می‌شد (گزارش سالانه رئیس فرانکلین، ۱۹۶۵).

توزیع انبوه کتاب در ایران (پروژه جیبی)

شرکت کتاب‌های جیبی به سرپرستی داریوش همایون، روزنامه‌نگار و روشنفکری که بعدها در سال ۱۳۵۶ وزیر اطلاعات و جهانگردی ایران بود، توسط شعبه تهران در سال ۱۳۴۹ تأسیس شد. در سال ۱۳۴۰ مجید روشنگر که روزنامه‌نگار و سردبیر بود جانشین همایون صنعتی‌زاده شد. به گفته صنعتی‌زاده (در گفت‌وگو با علی‌نژاد) هدف اولیه شرکت کتاب‌های جیبی استفاده از غذاهایی بود که معمولاً در حین تولید کتاب دور ریخته می‌شود تا کتاب‌های مقرون‌به‌صرفه با

حرکت از برنامه‌های ترجمه به سمت پروژه‌های آموزشی ... ۵۳

اندازه فشرده تولید کند. این حجم خاص از کتاب‌ها در آن دوره در بازار کتاب ایران رواج نداشت. ایده پیشنهادی شامل کاهش هزینه کتاب به نرخ قابل‌مقایسه با بلیت سینما می‌شد، به‌ویژه برای کتاب‌هایی با تعداد صفحات کمتر از ۳۰۰ صفحه این نرخ به ۲۰ ریال و برای کتاب‌هایی با تعداد صفحات بیش از ۳۰۰ صفحه به ۳۰ ریال می‌رسید (علی‌نژاد، ۱۳۹۵).

از دیدگاه انتشارات فرانکلین، هدف شرکت کتاب‌های جیبی ایجاد شبکه توزیع سراسری مشابه با جلدهای کاغذی بازار انبوه در ایالات متحده بود که به‌طور مشخص در صنعت نشر ایران وجود نداشت. فروش و توزیع کتاب در کشور عمدتاً در تهران متمرکز بود و اثربخشی محدودی در انتشار کتاب‌ها از شهرهای دیگر به سایر مناطق کشور داشت. کتاب‌هایی که در تهران منتشر می‌شد، در سراسر کشور انتشار پیدا نمی‌کرد. انتشارات فرانکلین باهدف دسترسی به کتاب‌ها برای افرادی که با روش‌های متعارف کتاب‌فروشی در دسترس نبودند، حمایت مالی را به شرکت کتاب‌های جیبی ارائه کرد. این ابتکار همچنین باهدف ارائه قیمت‌های مقرون‌به‌صرفه به خوانندگان بود (اسمیت، ۲۰۰۰).

برخلاف رویکرد اولیه و معمول انتشارات فرانکلین، شعبه تهران به‌طور مستقل به‌عنوان ناشر در این پروژه خاص عمل کرد. این شعبه با ناشران محلی مذاکره کرد تا حق تجدید چاپ کتاب‌هایی را که قبلاً منتشر شده بود، در قالب جیبی جدید به‌دست آورد. شعبه تهران حق امتیازی به ناشر پرداخت و عنوان خاصی را در تیراژ بالا منتشر کرد که دو تا سه برابر بیشتر از حد معمول بود. علاوه بر این، آن‌ها از مکان‌های بدیع از جمله سوپرمارکت‌ها، ایستگاه‌های اتوبوس، بازارهای مواد غذایی، و دوچرخه‌فروشی‌ها برای ارائه کتاب استفاده کردند. شرکت کتاب‌های جیبی صدها کتاب را در سایز جیبی منتشر کرد که هرکدام در تیراژهای پنج تا ده‌هزار نسخه بودند. شرکت کتاب‌های جیبی نیز چندین کتاب‌فروشی در تهران افتتاح کرد (علی‌نژاد، ۱۳۹۵). بااین‌وجود، رونق مالی اولیه ابتکار کتاب جیبی به‌سرعت متوقف شد. بااین‌حال، سازمان همچنان بر وابستگی خود به

افراد وابسته به دفتر تحریریه واحد تهران از جمله جهانگیر افکاری، احمد سمیعی گیلانی، ناصر پاک‌دامن و حمید عنایت پافشاری کرد. به گفته روشنگر، مدیر شرکت کتاب‌های جیبی در سال ۱۳۴۰، شعبه تهران محدود به ترجمه کتاب‌های آمریکایی بود، در حالی که خود شرکت کتاب‌های جیبی با چنین محدودیتی مواجه نبود. در نتیجه، شرکت این آزادی را داشت که ترجمه‌هایی را از زبان‌های مختلف دیگر از جمله آلمانی، فرانسوی، انگلیسی و عربی منتشر کند (۲۰۱۰).

نتیجه‌گیری

به‌طور خلاصه، انتشارات فرانکلین در ابتدا توسط دولت آمریکا سازماندهی و حمایت مالی شد. متعاقباً، به یک نهاد غیرانتفاعی مستقل تبدیل شد که توسط ناشران و کتابداران آمریکایی که مستقل از وابستگی‌های دولتی کار می‌کردند، مدیریت می‌شد. انتقال وضعیت سازمانی انتشارات فرانکلین، از دولتی به غیردولتی، به‌منظور حفظ اعتبار آن در میان مردم محلی در کشورهایی که برنامه کتاب فرانکلین در آنجا اجرا می‌شد، انجام گرفت. هدف اصلی این برنامه مبارزه و مقابله بانفوذ ایدئولوژیک اتحاد جماهیر شوروی بود که به‌طور برجسته‌ای از طریق اشکال مختلف ادبیات و مطالب نوشتاری بیان می‌شد.

هدف این برنامه دستیابی به دو هدف اصلی بود: اول، نشان‌دادن برتری غرب و آمریکا به‌ویژه با برجسته کردن پیشرفت‌های آنها در فناوری و سایر حوزه‌های علمی. و ثانیاً، آشنا ساختن مردم بومی با مفاهیم فلسفی و خلاقانه غربی، مانند دموکراسی و نظریه‌های سیاسی و اجتماعی مدرن، با این هدف که آنها را قادر سازد تا از این اندیشه‌ها بهره ببرند و فعالیت‌های آموزشی خود را ارتقاء بخشند، کتابخانه ایجاد کنند، و سیستم‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود را پیش ببرند.

فرانکلین با این فرض عمل کرد که ارائه مخفیانه برنامه‌هایش برای پنهان کردن تمایلاتش به مداخله فرهنگی در طول جنگ سرد ضروری است. رژیم پهلوی برای کنترل بیشتر روی

کتاب‌های چاپ شده از ساواک درخواست کرد که روی ادبیات و کتاب‌های روسی حساس‌تر باشند و به همین دلیل بسیاری از کتاب‌ها سانسور شدند یا اجازه انتشار نیافتند. این سیاست‌های کنترلی باعث کاهش قابل‌ملاحظه‌ی نرخ انتشار کتاب شد (دل‌زنده‌روی و همکاران، ۲۰۱۹). اما در عوض انتشارات فرانکلین جهت ترجمه و چاپ ادبیات و متون علمی امریکایی از حمایت خانواده سلطنتی برخوردار بود. هدف این سیاست نشان‌دادن انسان‌دوستی، دموکراسی و آزادی غربی بود که در ایدئولوژی و تفکر اتحاد جماهیر شوروی فقدان تلقی می‌شد. این امر از طریق مشارکت افراد محلی در سیاست‌های انتخاب ترجمه و تحقق درخواست‌های آموزشی آنها حاصل شد. تهیه کتاب‌های درسی درخواستی و کمک در برنامه‌ریزی برنامه، مشاوره و آموزش، به‌ویژه در مواردی که کمبود افراد واجد شرایط و متخصص از ایران وجود داشت، ارائه شد.

استفاده از لفاظی بشردوستانه و مأموریت‌محور، در پیوند با احساسات میهن‌پرستی و تجاری‌سازی، نقشی محوری در توانمند ساختن انتشارات فرانکلین برای ایجاد حضوری قوی در کشورهای در حال توسعه، با تأکید خاص بر ایران، در طی ۲۶ سال ایفا کرد. باین‌وجود، فرانکلین در دستیابی به اهداف فرهنگی تعیین‌شده توسط دولت ایالات متحده در طول جنگ سرد فرهنگی با مشکلاتی مواجه شد. بیات (۱۹۹۵) انتقال مدیریت از صنعتی‌زاده به مهاجر را یکی از عوامل مهم در تحلیل رفتن کارآمدی شعبه تهران می‌داند. دوران مدیریت صنعتی‌زاده، دوران اوج فعالیت‌های انتشارات فرانکلین در ایران به واسطه روابط محکمی که صنعتی‌زاده با خانواده سلطنتی و شخصیت‌های مهم مانند سیدحسین تقی‌زاده داشت، بود. علاوه بر این، برای انطباق با چشم‌انداز سیاسی در حال تحول تلاش کرد و نتوانست پشتوانه مالی لازم برای اجرای پروژه‌های خودش را تامین کند. در نتیجه فرانکلین در نهایت در سال ۱۹۷۸ فعالیت‌های خود را در ایران متوقف کرد.

منابع

Alinezhad, S. (2016). *Az Franklin ta Lalehzar. {From Franklin to Lalehzar}*. Qoqnoos Publication.

- Alinezhad, S. (2019). *Az Franklin ta Lalehzar*. {From Franklin to Lalehzar} (5th ed.). Qoqnoos Publication.
- Arrabai, A. M. (2019). *The Franklin books program: Translation and image-building in the Cold War* (Published PhD Dissertation). Kent State University.
- Arndt, T.R. (2005). *The first resort of kings: American cultural diplomacy in the twentieth century*. Potomac Books.
- Ashuri, D. (1994). *Dāyerat al-ma'āref-e Fārsī*. Encyclopaedia Iranica, retrieved from: www.iranicaonline.org/articles/dayerat-al-maaref-e-farsi (accessed on January 10, 2020).
- Asiri, A.M. (2021). *The Franklin book program: Translation and the projection of the American soft power in the Cold War*. (Unpublished doctoral Dissertation). Binghamton University.
- Atefmehr, Z., & Farahzad, F. (2021). Microhistorical research in translator studies: an archival methodology, *The Translator*, 28(3), 251–262. <https://doi.org/10.1080/13556509.2021.1944022>
- Azarang, A. (2017). *Tarikh va tahavol nashr* {History of publication development}, Khaneh Ketab Publication.
- Bastin, G. L., & Bandia, P. F. (2006). *Charting the future of translation history*. University of Ottawa Press.
- Bayat, K. (1995). *Tajrubah firānklin*. *Guftugū*, 7, 57–64.
- Cohen, T. V. (2019). *Roman tales: A reader's guide to the art of microhistory*. Routledge.
- Delzendeherooy, S., Khazaei Farid, A., Khoshsaligheh, M. (2019). Despotism and translation in Iran: The case of Naseri house of translation as the first state translation institution", *inTRAlinea*, 21. <https://www.intralinea.org/archive/article/2367>
- Elr (1991). *Children vii*. *Children's literature*. In Encyclopaedia Iranica. Retrieved from: www.iranicaonline.org/articles/children-vii (accessed on January 10, 2020).
- Farahzad, F., & Sanjarani, A. (2023). Book publication and translation policy making in Iran: The role of Franklin Publishing House. *Iranian Journal of Translation Studies*, 21(82), 23–41. <https://dori.net/dor/20.1001.1.17350212.1402.21.2.5.3>
- Filstrup, J. M. (1976). *Franklin book programs/Tehran*. *International Library Review*, 8(4), 431–450. [https://doi.org/10.1016/0020-7837\(76\)90007-8](https://doi.org/10.1016/0020-7837(76)90007-8)
- Ginzburg, C., Poni, C., & Ferrer, M. (1991). *El nombre y el cómo: intercambio desigual y mercado historiográfico*. *Historia Social*, 63–70.
- Hench, J. B. (2010). *Books as weapons: Propaganda, publishing, and the battle for global markets in the era of World War II*. Cornell University Press.
- Lambert, J. (1993). *History, historiography and the discipline. A programme*. In Y. Gambie, & J. Tommola (Ed.), *Translation and knowledge* (pp. 3–26).

- Laugesen, A. (2017). *Taking books to the world: American publishers and the cultural cold war*. University of Massachusetts Press.
- Mbembe, A. (2002). The power of the archive and its limits', In Hamilton, C., Harris, V., Taylor, J., Pickover, M., & Saleh, R. (Eds.), *Refiguring the archive* (pp. 19–26). Kluwer.
- O'Sullivan, C. (2012). Introduction: Rethinking methods in translation history. *Translation Studies*, 5(2), 131–138. <https://doi.org/10.1080/14781700.2012.663594>
- Padmanabhan, R., Chen, K. G., & Gottesman, M. M. (2014). Lost in translation: Regulation of *abcg2* expression in human embryonic stem cells. *Journal of Stem Cell Research & Therapy*, 17(4). <https://doi.org/10.4172/2157-7633.1000180>
- Pearce-Moses, R., & Baty, L. A. (2005). A glossary of archival and records terminology. Society of American Archivists. <http://www.archivists.org/glossary/>
- Pym, A. (2014). *Method in translation history*. Routledge.
- Pym, A. (1998). Okay, So how are translation norms negotiated? A question for Gideon Toury and Theo Hermans. *Current Issues in Language & Society*, 5(2), 107–113. <https://doi.org/10.1080/13520529809615507>
- Robbins, J. (2007). Between reproduction and freedom: Morality, value, and radical cultural change. *Ethnos*, 72(3), 293–314. <https://doi.org/10.1080/00141840701576919>
- Roshangar, M. (2010). *Khāṭirāt kitābhā-yi jībī. Mihrnāmāh*, 7. Retrieved from: www.mehrnameh.ir/article/1257/ (accessed on January 10, 2020).
- Saunders, F. S. (2013). *The cultural cold war: The CIA and the world of arts and letters*. New Press.
- Smith, D. (1963). Annual report and summary of operations. 12 October, Box 5, Folder 6. FBPR.
- Smith, D. (1963). Ten years of Franklin Publications. *ALA Bulletin* 57(6). 507–512. <http://www.jstor.org/stable/25696700>
- Smith, D. (1965). "Annual report and summary of operations. 12 October, Box 5, Folder 6. FBPR.
- Smith, D.C. (2000). Franklin book program. In *Encyclopaedia Iranica*. Retrieved from: www.iranicaonline.org/articles/franklin-book-program (accessed on January 10, 2020).
- Wilson, T. (1963). Letter to Curtis Benjamin", FBPR, box 2, folder 9.
- Yadegar, Zh. (1979), *Studying Franklin Publishing House activity* (Published Master Thesis). Tehran University.